

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

الحاج خلیل الله ناظم باختری
همبورگ - جرمنی

بخش دوم "نوی غربت"

(قسمت سوم)

رباعیات و دوبیتیها و غیره

از زبان استاد استادان محترم محمد یوسف یوسف

سابق مدیر لیسه امانی

از کارهای نامطلوب دست بردارید

نام من یوسف و نام والدیم یعقوب است
ای مسلمانان در حکم خدا و مُصطفا

دین ما سر تا قدم یک دین پاک و خوب است
کشتن و قتل و قتل یک کار نا مطلوب است

بهر خیر انسان

ملا از بهر خیر مُسلمین است
نمی دانم مگر معنای اسلام

نمی دانم چرا غم آفرین است
که بهر خیر انسان است و اجسام

باغ معرفت

هر کسی خدمتگزاری میکند نامش بجاست
پرطراوت می شود گلهای باغ معرفت

حاصل عمرش نهال وحدت و صلح و صفاست
آفرین بر مزدِ شست باغبان نام خداست

در دکان معرکه

کرزی ار خاموش باشد بهتر است
چون مداری در دکان معرکه

هر چه می گوید خلاف باور است
گاهی انتر می شود گاه منتر است

غریق بحرِ غفلت

هر قدر فریاد کردم گوشِ کرزی کم شنید یا شنید و از تجاهل یک نظر سویم ندید
چون غریقِ دمبدم در قعرِ دریا می رود چارهٔ دیگر ندارد آب که از سر پرید

سالِ عقل و دانش

یکهزار و سه صد و هشتاد و هشت هم به شهر و هم به ده و هم به دشت
سالِ عقل و دانش و توفیر است وقتِ جهل و جنگ، در میهن گذشت

شبِ نیمِ ثریا آوازِ خوانِ تاجکی

آوازِ خوشی دارد و بابِ دلِ ما است شبِ نیمِ ثریا است
سر تا به قدم شاخهٔ گل جلوه نما است شبِ نیمِ ثریا است